

## نکته ها در مصاحبه آزادگان

با

### اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

اخیرا در فاصله فراخوان شمع روشن تا بیست و پنجم آذرماه، رادیو آزادگان مصاحبه ای با اعلیحضرت ترتیب داد که برسم معهود نکته هائی که بنظر تازه است مورد نقد قرار میگیرد:

#### حفاظت از جمهوری اسلامی

اولین سوالی که تاکنون در مصاحبه های اعلیحضرت مطرح نبوده، حفاظت و یا مخالفت غرب از جمهوری اسلامی است. گرچه چنین موضوعی برای ایرانیان و خاصه اهل تحقیق سوال محسوب نمیشود زیرا چیزی که در جریان تحقیق به پاسخ رسیده است سوال بردار نیست و مختوم بهاست؛ معهدا از آنجا که پاسخ اعلیحضرت کمی عجیب و بیشتر کاملا تازه است، محابا برای ورود به آن لازم نیست.

اعلیحضرت ابراز عقیده فرمودند که برخلاف برخی عقیده دارم «که منافع غرب در بقای جمهوری اسلامی نیست» البته فرمایشات مفصلی هم برای رسوب این باور خودشان بیان کردند.

نتیجه از بیانات ایشان این است که بقای جمهوری اسلامی علیرغم مخالفت غرب (آمریکا - انگلستان و فرانسه و آلمان و اغیار آنها) مدیون حمایت ملت ایران است، و آن حسابها و برداشتهای ما و جهانیان و آمارها که حتی مسنولین و دست اندرکاران حکومت اسلامی از نارضایتی مردم منتشر میکنند واهی است زیرا حکومتی که علیرغم مخالفت غرب سی و چند سال دوام داشته باشد این چنین حکومتی از سرمایه اعتماد ملی و حمایت صد درصد ملت برخوردار است و احترام به مبانی دموکراسی ایجاب میکند که در معادله مخالفت خودمان با جمهوری اسلامی تجدید نظر کلی و لازم را بنمائیم!

درسنگرهای گذشته تحقیقی با عنوان «حفاظت از جمهوری اسلامی» (۱۵ دیماه ۷۹ شماره ۳۲۶+۳۳۲) شامل طرحهائی که برای حفاظت از جمهوری اسلامی از سقوط، ازسوی وزارت خارجه آمریکا تدوین و اجرا شده است یکایک بیان گردیده است و اکنون تجدید و تکرار آن که مفصل است، در قواره این تحریر نیست.

جمهوری اسلامی را غرب بوجود آورد (گرچه این واقعیت را اعلیحضرت قبول ندارند) و بالطبع برای حراست و حفاظت از آن هم برنامه ریزی کرده اند، کسی که نهالی میکارد علفهای اطراف آن نهال را هم برمیکنند.

غرب به هیچوجه بارزیم جمهوری اسلامی مخالف نیست بارها هم شخصیت های آمریکائی آنرا رسما اعلام کرده اند که در تحریرات هم مورد استناد قرار گرفته است. غرب خواهان اجرای کامل و تام و تمام موافقت نامه گوادلیپ است یعنی اداره جمهوری اسلامی بوسیله عوامل وابسته به آمریکا که البته این خواست تمامی کشورهای غرب نیست و بیشتر خواست آمریکاست، ولی چیزی که درخواست آمریکا و انگلستان و کشورهای اروپائی مشترک است حفظ و بقای جمهوری اسلامی است.

فایننشیال تایمز نوشت لندن و واشنگتن بر روی یک استراتژی باهدف ارتقای دموکراتیک در ایران کار میکنند و قصد براندازی ندارند»  
(کیهان لندن ۱۱۰۳)

این جریان واقعیت روشن را اگر انسان نمیخواهد قبول کند مربوط به خودش است ولی نباید با روحیه (هرچه من میگویم همان است) برای جمهوری اسلامی پشتوانه ای ایجاد کند که کلیه مخالفت های ایرانیان را از حقانیت جدا و به اغراض شخصی پیوند زند.

### **باید تصمیم قطعی خودمان را بگیریم**

گرچه بادیدگاهی که نسبت به بقای جمهوری اسلامی ارانه فرمودند مسئله تصمیم گیری ما منتفی است چراکه نباید باحکومتی که غرب مخالف، و مردم حامی آن است مخالفت کرد و بحث تصمیم قطعی هم مفروق است.

بیان اعلیحضرت به اینکه «مهم این است که ماچه میخواهیم مامردم باید تصمیم قطعی خودمان را بگیریم و آن موقع است که میتوانیم از جهان بخواهیم .....» ناامید کننده است.

درحالیکه به زعم اعلیحضرت ما هنوز بعد ازسی سال ادعای مبارزه تصمیم قطعی خودرا نگرفته ایم که چه میخواهیم، ما مردمی محجور و عقب افتاده هستیم که اساسا صلاحیت استفاده از حقوق اجتماعی را نداریم، آیا حقیقتا ایرانیان نمیدانند که چه میخوانند و چگونه میخوانند؟

به بیانات اعلیحضرت در مصاحبه باراديو صدای ایران توجه بفرمائید:

«هموطنان ما از مدتها قبل تصمیم خودشان را برای آینده کشورشان گرفته اند و نشان داده اند که میل دارند به نظامی برگردند که هم قرنها با آن خو گرفته اند و هم حافظ فرهنگ و ارزش های ملی ایرانیان است»

(مصاحبه هشتم آذرماه ۱۳۶۶ = ۲۵۲۶ = ۱۹۸۷)

اعلیحضرت خواهند بخشید اگر در عرایض صراحت است (چنانکه تربیتیم کرده اید میباشم) همانطور که اعلیحضرت آگاهند و اظهار هم فرموده اند ملت ایران بنا بر همان فرهنگ و منشی که دارند، میدانند چه میخوانند و چگونه میخوانند، ولی تصور میکنم که، تنها ایرانی سرفراز و مسنول که نمیدانند که چه میخوانند و کجا ایستاده اند اعلیحضرت تشریف دارند.

اعلیحضرت در مصاحبه باراديو صدای ایران از هم میهنان خواستند که ایشان را در موضع صحیحی قرار بدهد عبارت صحیح ایشان این است «من از هم میهنانم میخواهم که مرا در موضع صحیحی قرار بدهند»

سنگرم در همان زمان نوشت «موضعی راکه قانون اساسی و سنت مشروطیت و منش ایرانی برای اعلیحضرت مقرر کرده و ایشان هم برسم سوگند بر آن تاکید گذاشتند چه سرنوشتی پیدا کرد که اکنون از هم میهنان میخوانند موضع صحیحی برای ایشان انتخاب کنند»

(سنگر ۳۳۲+۴۵۹)

موضع صحیح آن است که بنده نوعی انتخاب کنم و یا آنچه قانون اساسی مشروطیت مقرر کرده؟؟

اعلیحضرت نه تنها به موضع سیاسی اصیل و حقیقی خودشان اعتنایی ندارند بلکه به موقعیت تاریخی و هویتی نیز بی توجه اند در مصاحبه با «هیومن ایونت» علاقه خوشان را به قرارداد شدن در لباس یک شخصیت ملی اعلام میدارند، نه رهبر سیاسی که باعث حیرت مصاحبه کننده میشود. یک روز بعنوان یک فرد معمولی، یک روز رهبر اپوزیسیون، یک روز رهبر فکری، یک روز سخنگوی اپوزیسیون و یک روز هم اظهار علاقه میفرمایند که در مقام سخنگوی شورای باصلاح ملی! ایران منصوب بشوند که گویا شخص دیگری به این مقام موهوم منصوب شده است.

این تشنت و سرگردانی درحالیست که موضع و موقعیت اعلیحضرت نه تنها ثبت در تاریخ و هویت و اسناد حقوقی ایران که در قلب و خون ملت باملیت ایران هم منقوش است. تاثیر این بی تصمیمی و بی ارادگی رامیتوان در حرکت های سیاسی بی

ریشه متعددی که گریبان مبارزه را گرفته است دید، قطعنامه پشت قطعنامه - شورا پشت شورا - کنگره پشت کنگره یک روز فقط شرکت در انتخابات، روز دیگر امروز فقط اتحاد، یک روز دفاع از جنبش سبز و امروز شورای باصطلاح ملی یک روز براندازی و فردای همان روز انحلال طلبی! و جالب اینجاست که گله هم میفرمایند که مردم در میدان مبارزه نیستند.

### عوامل جمهوری اسلامی

برای اولین بار است که اعلیحضرت از حضور عوامل و افراد وابسته به جمهوری اسلامی بین ایرانیان خارج از کشور اظهار ناراحتی میفرمایند ولی باین تفاوت حیرت آور، کسانی را عوامل جمهوری اسلامی میدانند که باشورای باصطلاح ملی! (بخاطر اشارات متقن منشور آن به تجزیه طلبی) مخالفند و از آنها بنام دکان داران برون مرزی یاد فرمودند و برای اولین بار عنوانی هم به آنها تخصیص فرمودند که آن <ایوزیسیون حرفه ای> است، خوشبختانه ایشان همه ربا این چوب نراندند بلکه عبارت <همه شان اینطور نیستند برخی هستند> هم بکار گرفتند و به هر حال هرکس خودش تشخیص میدهد که خلعت اعلیحضرت برآزنده اوست یاخیر.

گفت آن یارکز و گشت سردار بیلند جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد

در سال ۱۳۸۴ اعلیحضرت در مصاحبه ای در رادیو ایران به پرسش کنندگانی پاسخ فرمودند. یک سوال کننده از اینکه کسانی مانند سازگارا و فخرآور و دیگران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی اشراف دارند و عدم کنترل افراد ممکن است به مبارزه صدمات غیرقابل جبرانی وارد سازد نگرانی خودش رابه عرض رسانید.

اعلیحضرت فرمودند: «امروز دو کمپ بیشتر وجود ندارد کمپ استبداد و کمپ دمکراسی هرکسی که امروز پایش را بگذارد اینطرف مرز من اورا همسنگر خود میدانم کاری به سابقه اش و تصمیم قبلی اش ندارم که آیا امروز از این حق دفاع میکند یا نه»  
(سنگر ۴۲۲+۳۳۲)

عادت مردم بطور کلی تاسی به رهبر و مهتر است وقتی اعلیحضرت هرکس پایش را از مرز ایران بیرون گذاشت همسنگر ایشان میشود (بخوانید بشرطی که سلطنت طلب نباشد) و این خامی و حسن نیت بی ریشه جایگزین حساسیت و لزوم دقت در همکاریان مبارزاتی شد، قضیه به سادگی به آنجا میرسد که جمهوری اسلامی بارشادت تمام میگوید <تمام حرکات مبارزه ایرانیان خارج از کشور در کنترل ماست> درست هم میگوید و اعلیحضرت هم یکی از افتخاراتشان این است <یکی از کسانی که میخواست پدرشان را ترور کند امروز در خدمت ایشان نویسنده میگذرد> و در کتابشان هم دونفری را بعنوان برجسته ترین و شریفترین ایرانی نام برده اند که از مخالفین سرسخت سلطنت و پایه گذاران جمهوری اسلامی بوده اند.

### سوال درباره منشور شورای باصطلاح ملی!

سوال کننده موضوع فدراتیو و تقسیم قدرت که در منشور شورا مطرح شده را پیش کشید و خواهش کرد که اعلیحضرت نظر روشن و صریح خودشان را نسبت به فدراتیو شدن کشور اعلام بفرمایند. توضیح اینکه اصرار سوال کننده به پاسخ روشن بدین جهت بود که اعلیحضرت از فدراتیو شدن کشور در گذشته دفاع کرده بودند و در اثر اعتراضات ایرانیان (بزع اعلیحضرت، عوامل جمهوری اسلامی) تجدید نظری داشتند مبنی بر اینکه با فدراتیو شدن کشور مخالفند.

بهر حال اعلیحضرت در مورد اختلاف بین تقسیم قدرت و اداره امور محلی استان ها و فدراتیو و انواع آن در جهان، توضیحی فرمودند و بعد به درستی عنوان فرمودند که مسائل مربوط به فدراتیو و تقسیم قدرت و غیره مسائل پیچیده ای است یعنی در صلاحیت متخصصین است.

**در این حالت چراباید مسئله تقسیم قدرت آنهم درحد محصورواحصاء کردن قدرت حکومت مرکزی ازهم اکنون درمنشورپیداه شود؟** کسی که به درستی معتقداست که مسئله تقسیم قدرت وامثال آنها درصلاحیت متخصصین است چرا چنان منشوری را امضا میفرمایند وجد دارند که دیگران هم امضاکنند؟

**اعلیحضرت که اصراردراصرار (حتی درهمین مصاحبه) میفرمایند که خواست های سیاسی خود را در جیبتان بگذارید تا بعد ازواژگونی رژیم که اختلاف مانع رسیدن به هدف نشود چرا مسئله خودمختاری ومراتب تابعه آنرا بجای در جیب گذاشتن درمنشور میگذارند.**

### علت استقبال وطرح خودمختاری چیست؟

ازهمان سال ۱۳۷۴ که سند خودمختاری کردها بوسیله اعلیحضرت و آقای دکترمونوچهر گنجی باوساطت تیمرمن آمریکائی امضا شد، علامت استراتژی آمریکا درتجزیه ایران بود والا بقول کیهان لندن <حضوردو رهبر سیاسی=اعلیحضرت وگنجی> برای مسائل ایران چه نیازی به حضورووساطت تیمرمن راداشته است؟

بنوشته جراید آمریکا انستیتوانترپرایز که بیشتردرمسائل خاورمیانه تحقیق میکند باتفاق مایکل لیدن سناتور آمریکائی که اوهم نسبت به مسائل ایران فعال است نمایندگان اقوام ایرانی تجزیه طلب رادعوت کرده ودرجلسه ای مسائل مربوط به خودمختاری استان ها را مطرح کرده است وبین این گروه تجزیه طلب با اعضای کنگره آمریکا نیزملاقاتهایی هم صورت گرفته است. بنوشته همان روزنامه ها کسانی که در آن جلسات حضورداشته اند دکترچهرگانی یک تجزیه طلب مشهور آذربایجان - اسفندیاری یکی ازرهبران احزاب کردستان ایران - فعالان بلوچ که خواهان خودمختاری سیستان و بلوچستان هستند وعبدیان رهبر تجزیه طلبان خوزستان که گفته شده درهمان جلسه مدعی گردیده <تمام عوائد نفت ایران متعلق به ما اعراب است وفارسیان آنرا میبرند ومامیخواهیم حاکم سرزمین خودمان باشیم> بنابرنوشته همان روزنامه ها آقای برنز معاون وزارت امورخارجه وخاتم چینی هم در آن جلسات حضورداشته اند.

(مشروح درسنگر ۴۵۶+۳۳۲)

درراستای فعالیت های آمریکا برای تجزیه ایران <شخص اول دولت اسرانیل ازبیش ازحد بزرگ بودن ایران سخن گفته و بانوی سیاست آمریکا برای تکه پاره کردن ایران ۷۵میلیون اعتباردرخواست کرده است.

(نقل از مقاله مستند آذربایجان شهروند ۱۰۸۰)

آقای دکتر نصر اصفهانی هنگام فعالیت برای کنگره همبستگی به یکی ازدعوت شدگان برای امضا قطعنامه گفته است <فلانی منم باشما هم عقیده ام که سلطنت قابل ارجاع به همه پرسی نیست ولی راه نجات کشورازهمین سه اصل که استحضرار دارید میگذرد همه پرسی برای تعیین نوع رژیم - خودمختاری ایالات وولایات وجدائی دین ازحکومت واضافه کردند که آن بالاها شرطشان برای کمک بما همین سه اصل است ماکه نمیتوانیم ایران رابدون کمک آنها نجات بدهیم>

(مشروح درسنگر ۴۵۷+۳۳۲)

اینکه ملاحظه میشود تمام اجلاس پراک - استکهلم - پاریس - آمستردام وقطعنامه ها باحضور تجزیه طلبان تشکیل و یا امضا میشود به همین لحاظ است که مبارزه بخش عظیمی از ایرانیان خارج کشورو فعالیت های شخص اعلیحضرت، تحت کنترل واستراتژی آمریکاست.